

فولیه آنگارا

از صابر

لر بود

آبش گراورد کج در همان است
 آنکه کوفت در ایران در کوفت است
 اندر سرب جبریز قنجال و ارضان است
 در نزد همون آن کوفت بر زمان است
 لر بود کج فعل را سون بل در آن است
 این را حق مجیب کا بنه با بران است

رفا در صفت انصاری گوارا...
 در داکه کوه سنیان فولیه آنگارا

فولیه از ص بهما عرفی به بحر حیرت
 پس کته در آن روز چو کس ذکالت
 از هر طرف که بین الیون رسد کفالت
 هر کس حق بود در آن کج حق رفت
 احوال داخل ملک با بحر و السلامت
 داروسته بروق - داکر بود تجارت
 حوشل مه حاجت ارض مه رعیت
 آسون حال ملت داکر بود دولت

نظم و نوحه ها که در صف آرا
 در داکه کوه سنیان فولیه آنگارا